

پرورش اراده در پرتو محرمات

یکی از نتایج درخشان اجتناب از محرمات الهی، پرورش اراده انسان است که او را از اسارت و بردگی امیال بی پایان نفس رهایی میبخشد، انسان چون از لذات ناچیزی که موجب فساد روح و جسم اوست چشم پوشیدار اراده خویش را نیز فرزند ساخته مرزهای کشور انسانیت را در برابر تهاجم خوی حیوانی مستحکم گردانیده است زیرا تنها فاصله بین حیوان و انسان «عقل و اراده» اوست.

این قدرت اراده و یا حکومت انسانیت بر خواسته های حیوانی، در زبان روانشناسان به «خویشتن داری» نامیده میشود.

بررسی سازمان وجود انسان :
نیروهائی که در نهاد انسان است، هر یک، هدفی خاص کوشش داشته و او را بطرفی

معین دعوت مینماید، تنها اختلاف افراد در شدت و ضعیف بودن قوا است،

انسان در جواب این خواسته های درونی خود گاهی با حیوانات همکاری است و زمانی در جواب این تقاضاها تنها انسان می باشد و با انسانیت خود پاسخ این تعابلات را می دهد.

غرائز حیوانی که در انسان موجود است، جز آنچه را که یک حیوان می خواهد از انسان در خواست نمینماید، از این نظر؛ این فرد انسان با حیوان یکسان است؛ یعنی همان کاری را انجام میدهد که یک حیوان انجام می دهد حیوان در حالت احساس گرسنگی غذا می خواهد انسان هم در این هنگام غذای خواهد،

حیوان در احساس خستگی می خوابد انسان نیز در اینموقع بخواب میرود، در تمایلات جنسی هر دو یک خواسته دارند و تنها فرقی که در این میان است، در کیفیت پاسخ دادن باین تقاضاهاست بدین معنی که انسان رفع گرسنگی خود را از سایر موجودات بنحو کاملتری انجام می دهد و حیوان که فاقد این اندیشه است بنحو ناقص، در حالی که ماهیت هر دو کاریکی بوده و نتیجه هم در هر دو عمل یکی است (سیری انسان و حیوان در رفع خستگی جسمی آنها) لذا چار عاملی که در این تقاضاها و پاسخ های آن دخیل بوده یکی خواهد بود، که همان طبع حیوانیت است.

بنابراین، امتیاز انسان را از حیوان باید در عوامل دیگری جستجو کرد. زیرا این دو موجود در این نوع تقاضاها و جوابها یکسان هستند، انسانیت در سر و چیست؟

موجودی که بنام انسان مفتخر است و بر ارزش ترین کالای بازار هستی است با تمام اوصاف مشترکی که با حیوان دارد؛ خودسر مایه ای دارد که بوسیله آن اشرف موجودات جهان گشته و بلندترین مقام هستی را حائز گردیده است.

آن سرمایه گرانبهادر قیمت، آن ذاهنمای انسان، و نه موجودات دیگر، بسوی کمال، آنچه که انسانیت در گرو است چیزی جز «عقل و اراده» نمی باشد.

آری تنها این دو نیرو است که قدرت های دیگر بشری را در اختیار خود گرفته است و اگر این دو سرمایه بر قیمت، این دو دویعه الهی از او جدا گردد، حیوانی میشود که از بسببزی حیوانات پست تر و بی ارزش تر است، زاهدنمائی خداوند جهان، دعوت پیغمبران بزرگ الهی تکالیف و وظائفی که از جانب پروردگار رسیده، همه و همه برای پرورش این دو نیرو و تکمیل این دو دویعه الهی است. زیرا اگر عقل و اراده را از انسان بازستانند نه تکلیفی باقیست؛ و نه معرفتی به خدای جهان دارد، نه پاداشی خواهد بود، و نه اجتماعی و خلاصه نه انسانیتی!

بنابر این میتوان گفت: انسان مساویست با عقل و اراده زیرا در سایر نیروها و تقاضاها انسان هم طراز حیوان بود، هر چه او داشت آنهم دارا بود. پس چه امتیازی در غیر از این

دوقوه مهم میتوان یافت؟
تحلیل این دونیروی عظیم و بحث در ماهیت این دو پایه انسانیت از هدف مقاله ما خارج است و ما تنها به بیان وظائف هر يك می پردازیم.
وظائف عقل و اراده

این دونیروی بزرگ الهی در انسان هر يك موقعیتی مخصوص بخود داشته و ناچار هر يك وظائف خاصی بعهده دارد. بطور خلاصه وظیفه عقل در انسان، تشخیص و قضاوت است و تکلیف اراده اجرا آنچه را عقل تشخیص داده، میباشد. عقل در تشخیص نیک از بد حکومت میکند و اراده سر بازی مجری آن حکومت است.

با مقایسه ای ساده وظیفه و چگونگی فعالیت هر يك از این دونیرو روشن میشود و احتیاج هر يك بدیگری در بر آید. چنانچه سعادت انسانیت معلوم میگردد فرض کنیم شخصی است عاقل؛ اما با اراده ای سست، این فرد با اینکه عقلاش تشخیص بد را از خوب میدهد، چون عامل اجرای فرامین عقل ضعیف و اسپر هوی و هوس است، نمیتواند آرزوی عقل را بر آورد و به مرحله عمل برساند، و در نتیجه حق انسانیت وی ادا نمی شود اگر کشمکش در خواسته های عقل او با تقاضاهای هوی و هوسش در گرفت: عقل گفت احسان و خدمت بنوع از خوبترین خوبیهاست ولی هوس و هوی و لذت خود پرستی او را از احسان منع نمود. آیا چه نیروئی میتواند در این کشمکش بکمک عقل شتافته تقاضای او را بر آورد؟ آیا جز اراده ای قوی و پایدار در مقابل هوی و هوس، میتواند این کار را انجام دهد؟

در اینحال بساط حکومت عقل بر چیده شده و حکومت در وجود چنین انسان بی اراده و ضعیف، بدست هوی و هوس او است و مانند يك حیوان کلامی کند، او فقط می خورد، می خوابد، لذا اندکی جسمانی می برد این نتیجه (یکسانی انسان و حیوان) همچنین در فردی که فاقد عقل صحیح است درست بدست خواهد آمد. کسی که چراغ عقل او در تندها هوی و هوس خاموش شده و با چشم عقل خود جایی را نبیند چیزی را تشخیص ندهد بهمان اندازه به حیوانیت نزدیک شده و انسانیت خود را در این گیر و دار باخته است.

انسانی هنگامی انسان است که دارای عقلی سالم و اراده ای قوی باشد و بتواند در مقابل

امیال، هوسها و هواهای درونی با قدرت ایستادگی نماید و پایداری بماند، در غیر این صورت انسان بصورت چیزی جز حیوان نیست پس تقاضاهای خواسته‌هایی که از هوی و هوس انسان سرچشمه میگیرند اگر با اراده‌ای قوی و عقلی سالم تعدیل نگردد موجودی خواهد بود بصورت انسان ولی در سیرت حیوان!

انسانی که در زندگی خود پای بند محدودیت‌ها و محرمانت نباشد از هیچ خواسته نفسانی خود سر باز نزند، خود سر باشد و آنچه را هوسش اقتضا کند انجام دهد آیا میتوان نام انسان بر او گذارد؟

انسانی که هر وقت گرسنه شد حساب مال دیگران را در حرمت تصرف در اموال مردم را ننمود هر چه در دسترس است بمصرف رساند، آیا جز عمل یک حیوان را انجام داده است. چه آنها از این حساب و محدودیت‌ها دور است.

آنچه در اراده قوی گفته شد، نتیجه احکام ممنوعه است که در ادیان الهی و احکام اجتماعی بیان شده. مراعات محرمانت و محدودیت‌ها در زندگی است برای اراده و تقویت آن، در مقابل هوی و هوس.

یک نمونه زنده و جالب برای تقویت اراده در شرایع الهی همین وظیفه بزرگ روزه است که در این ماه مبارک تشریح شده است. *ماه نوزدهم از انسانی و طهارت و تزکیه*
این محدودیت انسان را در مقابل طبیعی ترین تعامیل از یعنی خوردن، و آشامیدن، از ضایع غریزه جنسی، قرار میدهد و اراده او را بوسیله این تمرین تقویت مینماید و انسانیت او را کامل میسازد.

خلاصه بزرگترین مظاهر و روشن‌ترین جلوه‌های اراده قوی رعایت محرمانت الهی است چه با اقتضای طبع بشری هر گاه حساب محدودیت شرعی را نموده و آن خواسته را انجام نداد اراده خود را ورزش داده قوی ساخته است؛ پس:

• مراعات محرمانت و محدودیت‌های الهی بگراهِ اساسی برای تقویت نیروی اراده است که یکی از دورکن اساسی انسانیت محسوب میشود.